



«فرهیختگان» از ابعاد دیگر کمپین ۸۰۰ زن سینماگر قربانی گزارش می دهد

# خطر معلق شدن «می تو» ایرانی

وقتی بازیگری می گوید به او تجاوز شده، چرا کسی جلو نمی آید؟



مجیدی اردشیری

خبرنگار گروه فرهنگ

جنبش «می تو» در ایران وارد فاز جدیدی شده است. درست در روزی که سعید پورصمیمی جلوی دوربین دهها خبرنگار، در مراسم فرش قرمز کن، حضوری با تریزی را به ثبت رساند، کتابیون ریاحی با انتشار پستی اعلام کرد که از سوی این بازیگر مورد آزار و اذیت قرار گرفته است.

ریاحی که یکی از کم حاشیه ترین بازیگران سالیان اخیر سینما و تلویزیون کشورمان است، اعلام کرد ۲۵ سال پیش و درست در زمانی که پورصمیمی عهده دار سمتی در خانه سینما بوده، به وی تعرض کرده و وی در تمام این سالها حرفی نزده است.

اظهارات ریاحی بعد از تأیید حرف هایش توسط لادن طباطبایی از قالب یک ادعا فراتر رفت. به خصوص که طباطبایی گفت شبیه چنین اتفاقی برای من افتاده است. به نظر می رسد انتشار این ادعا ریاحی سبب شد تا آتش زیر خاکستر این جنبش، دوباره شعله بگیرد؛ این بار اما برای کسی که کمتر کسی انتظار نسبت دادن این اتهام را به او داشت. کسی که با رفتارهای خود روی فرش قرمز کن، تحسین بسیاری از منتقدان و اهالی رسانه را به خود معطوف کرد. پورصمیمی در تمام این سالها بدون هیچ حاشیه ای، مقتدرانه مسیر خود را پیش رفته و نقش آفرینی های ممتازی را تجربه کرده است. به نظر می رسد فضای جدیدی شکل گرفته که بی پروا اتهاماتی در فضای سینمای ایران مطرح می شود و البته که این جنبش تهمت زنی ها مخالفانی را هم دارد. حمید فرخ نژاد در اعتراض

کرد و درباره اعتراضش به رفتارهای اخیر برخی هنرمندان گفت: «من به یک بخش این حرکت در روزهای گذشته به شدت معترض هستم و احساس می کنم جنبشی که داریم در حال بدل شدن به ضد خودش است. من متوجه نمی شوم اسم بردن از آدم ها به شکل واضح و رودر رو چه کمکی به جنبش ما خواهد کرد. قرار نیست چون آزار دیدیم آزار بدهیم، قرار نیست شبیه آدم های انتقام جو عمل کنیم، مافزار نیست روان دیگران را اعدام کنیم چون خودمان آسیب دیدیم. از ابتدا هم قرار این نبود. مامی خواستیم جلوی این اتفاقات را بگیریم. اسم بردن از آدم ها نه تنها کمکی به ما جرات نمی کند بلکه ما به جای همکاری، شبیه آدم هایی می شویم که درام مقابله می کنیم. خواهشیم این است که ما جرات را شخصی نکنید و بگذارید به شکل خصوصی تری مشکلات مان را حل کنیم.»

اما آنچه در این گزارش به دنبال آن هستیم، این است که این ادعاهای جدید که طی هفته های گذشته اعلام رسانه ای شده و احتمالا طی روزها و هفته های آینده نیز تداوم می یابد، با چه قصد و منظوری منتشر می شود؟ این که این ادعاها قرار است در جایی مطرح شوند و مجازاتی در نظر گرفته شود یا به همین اعلام رسانه ای محدود می شود. تقریباً در تمامی این ادعاها، فردی که از وی در قامت متعرض نام برده شده، سکوت کرده و از دیگر سو محدودیتی هم برای فعالیت های وی در نظر گرفته نمی شود. تداوم این روند سبب می شود با این پرسش مواجه شویم که این اقرارها و اعتراف ها قرار است به کجا ختم شود و اینکه تنها یک نام برده و ادعای مطرح شود، چنان که تا امروز نتوانسته گره ای را باز کند، در ادامه نیز اتفاقی را رقم نخواهد زد.

## چرا متجاوزان جسور می شوند؟

با یکی از زنان هنرمند موافق این جنبش هم صحبت می شویم. کسی که معتقد است اعلام این جنایت، اثرات بسیار مفیدی به نسبت نگفتن آن دارد. این خانم هنرمند می افزاید: «فرهنگ بومی ما، همواره این هنجار را در ما تبدیل به عادت کرده که اگر از یک فساد یا خبر بد شخصی رونمایی کنیم، انگشت نما می شویم و محدودیت های بسیاری برای ما رقم می خورد. شما ببینید در طول چند دهه قبل برای چه خانم هایی، چه اتفاق هایی افتاد که یا مجبور به ترک وطن شدند یا اجازه فعالیت های عادی به آنها داده نشد. وی ادامه می دهد: «در سینما مانند بسیاری از مشاغل دیگر، جنایتی رقم می خورد و تعرضی رخ می دهد. یک خانم بازیگر به چه دلیلی باید این تعرض را تا مادام العمر در سینه خود محفوظ نگاه داشته و آن را اعلام رسانه ای نکند؟ مگر جز این است که با این کار، حاشیه امن بسیار مناسبی را برای فعالیت های بیجانانه فرد متجاوز فراهم می کند؟ حداقل کار ممکن این است که جامعه را از وجود چنین بی اخلاقی هایی آگاه می کند تا به این ترتیب باقی هنرجویان و دخترانی که می خواهند وارد این حرفه شوند، متوجه باشند که در تعامل با آن فرد، اقدامات ایمنی را رعایت کنند.» این هنرمند می افزاید: «در هالیوود، خانم های بازیگر و غیر بازیگر، ادعاهایی را علیه یک سلبریتی مطرح می کنند. حداقل تأثیر این اعتراف آن است که کمپانی ها حواس خود را جمع می کنند تا کمترین همکاری را با آن چهره داشته باشند؛ چرا که نمی خواهند فیلم شان در آینده، فروشی نکنند. آن بازیگر به وقتی با این محدودیت مواجه می شود، زبان به اعتراف باز می کند و تحت فشارهای رسانه ای و کمپانی های فیلمساز، اعتراف می کند که دست به چنین جنایتی زده است. آن وقت برای او دادگاه تشکیل می شود و باقی قضایا.

در چنین گردشی است که می بینیم تهیه کننده و سرمایه گذار بانفوذی مانند واینستین، به راحتی از گردونه هالیوود حذف می شود، آن وقت ما اینجا در ایران، وقتی اعتراف به چنین جنایت هایی می کنیم، چه اتفاقی رخ می دهد؟ این خانم هنرمند ادامه می دهد: «بازیگر مردی که متهم به تعرض شده، سکوت می کند تا بعد از یک مدت کوتاه، آبها از آسیاب بیفتند و انگار نه انگار که آبرویی رفته و حیثیتی لگدمال شده است. نه کسی از وی توضیحی می خواهد و نه محدودیتی برای وی و فعالیت هایش در نظر گرفته می شود. بعد هم یک فردی می آید و می گوید که اگر واقعا در حق این زنان تعرضی رخ داده، چرا همان زمان فریاد نکشیدند. انگار جامعه ما و تابوهای آن را نمی شناسد.» البته که حرف های این هنرمند، تا حدودی منطقی به نظر می رسد. در تمام این مدت که زنانی علیه تعرض در حق خود، زبان به شکوه سه داده اند، هیچ بازیگری به خود این اجازه را نداده که در این باره سخنی بگوید و بدتر از آن، دستگاه های ذی ربطی است که در برابر این اعلام عمومی و واکنشی نشان نداده و فرد متهم را برای بازجویی و تئویر افکار عمومی فرامی خوانند.

## وقتی مدرکی نیست، چه شکایتی بکنیم

خانم هنرمند دیگری که موافق به راه انداختن این جنبش است، ضمن تأیید عدم واکنش برخی دستگاه های ذی ربط به ما می گوید: «اعلام می شود تا زمانی که شکایتی رسمی علیه یک فرد ارائه نشود، اجازه ورود به یک پرونده داده نمی شود. در اینجا سه مساله بسیار مهم وجود دارد.» اول آنکه یک زن هنرمند که شناخته شده است و تمام ایران و شاید هم فارسی زبانان تمام دنیا که او را به واسطه فعالیت هایش می شناسند، وقتی در یک تریبون اجتماعی اعلام می کند که توسط مردی مورد تعرض قرار گرفته است، یعنی دارا، پرو، شرف، اعتبار و آینده کاری خود را گرومی گذارد که زبان به چنین جنایتی باز می کند. او چون دیگر نمی تواند جلوی تخریب خود خوری های درونی خود را بگیرد، به ناچار لب به اعتراف باز کرده است و وقتی چنین کاری انجام می دهد، چرا نباید ادعای او را جدی گرفت تا آخر ماجرا و رایاری نکند؟ دوم هم آن که می گویند شکایت کنید و گاهی هم ما می دهیم که تاکنون هیچ شکایت رسمی در این باره صورت نگرفته است. سوال من این است که وقتی شکایتی می کنیم، چه اتفاقی رخ می دهد؟ مانند هر شکایتی، باید سند و مدرک رو کنیم دیگر؟ برای جنایتی که سال ها و دهه ها قبل رخ داده، چگونه می توان مدرک جمع کرد؟ وقتی در مورد یک بازیگر یا هنرمند مرد، ادعاهای متواتر وجود دارد و چند هنرمند زن اعتراف کرده اند که از سوی وی مورد تعرض قرار گرفته اند، آیا این مدرک کمی است؟ مثلاً وقتی بزهی در جامعه اتفاق می افتد و قطعی آن، مال باختگان با قربانیان اعلام می کنند که به این شیوه مورد آزار و اذیت قرار گرفته اند، آیا پلیس می تواند دنبال آن جانی با متهم نمی رود؟ پس چرا وقتی اینجا ده ها فرد اعلام می کنند که فلان فرد مشخص به آنها تعرض کرده، کسی سراغ آن هنرمند نمی رود؟ نکته سوم که شاید به نفعی از دو نکته دیگر مهم تر است هم آن که وقتی یک بازیگر، با هر نوع کارنامه و فعالیتی که تاکنون داشته،

از بابت ظلمی که به او وارد داشته شده و حریم خصوصی وی را خدشه دار کرده است، این چنین زبان به فریادی می گشاید، چرا هیچ فرد نهادهای قدیم پیش نمی گذارد که خانم، چه اتفاقی افتاده؟ مگر این مملکت خانه سینما، سازمان سینمایی، وزارت ارشاد، قوه قضائیه و ده ها نهاد ذی ربط با این مساله ندارد؟ چرا همه منتظر هستند که شکایتی رسمی در این باره تنظیم شود؟ مگر وقتی آقای رویگری از آسایشگاه کهریزک فلان پیام را منتشر می کند، نمایندگان و افراد مختلف به او مراجعه نمی کنند؟ پس چگونه است که وقتی صدای تظلم خواهی یک هنرمند زن بلند می شود، نهاد و سازمانی، نماینده ای نمی فرستد تا ببیند درد این زن چیست و چرا باید با چنین سابقه ای، با بیان چنین اظهاراتی، همه چیزش را نادیده بگیرد و این چنین خود را به سوزنه نخست رسانه ها تبدیل کند، آن هم در مورد این مساله مهم که در تمام جهان به عنوان اصلی ترین خط قرمز هر خانمی شناخته می شود. «صحت های این هنرمند البته که بسیار مهم و چالش های طرح شده در آن نیز قابل تأمل است، باید به این نکته مهم اشاره کرد که تاکنون تنها صحبت ها و به قولی، اعتراف های هنرمندان زن، رسانه ای شده و دیگر جامعه رسانه ای کشور مطلع نیست که بعد از انتشار این اعتراف ها، چه رجوع هایی به آن فرد شده است. این که ادعا می شود هیچ فرد و سازمانی برای پیگیری ماجرا ورود نکرده، به احتمال فراوان صحت ندارد؛ چرا که در مراحل بعدی به واسطه عدم بروز حواشی گسترده تر و اینکه کار باید در آرایش پیش برود، از رسانه ای شدن پیگیری ها ممانعت به عمل می آید. ضمن آن که برای پیگیری این امور شورایی متشکل از زنان هنرمند تشکیل شده است که این زنان با ارتباط گرفتن نهاد های مختلف پیگیری های حقوقی و اجتماعی لازم را به عمل خواهند آورد و بسیار بعید است که کار در همان مرحله اعتراف محدود مانده و گسترش پیدا نکند.

## آیا باید تمام حق را به زنان قربانی داد؟

در اینکه در برابر هرگونه ظلم رخ داده، باید طرف مظلوم را گرفت و نسبت به احقاق حقوق حقه او تمام تلاش را به کار بست، جای هیچ گونه تردیدی نیست. اما در مورد این مساله به خصوص، همان گونه که اعتراف های قربانیان رسانه ای شده، باید حرف های متهمان نیز شنیده شده و آن زمان نسبت به دابری عادلانه اقدام کرد. این که یک طرف ادعایی داشته باشد و حال به واسطه همان ادعا و بدون اینکه ابعاد و زوایای آن حرم مشخص شود، تصمیم قطعی و نهایی گرفته شود، چندان منطقی و عقلانی نیست. چنان که وقتی در هالیوود، جرمی از این دست رخ داده و قربانیان نسبت به یک اتفاق واکنش نشان می دهند، تا زمانی که فرد متهم زبان به اعتراف باز نکند، حکم قطعی در رسانه ها و البته افکار عمومی منتشر نمی شود. در اینجا اما احساس می شود که کار در یک گلوگاه گیر کرده است و آن اینکه وقتی ادعایی مطرح می شود، دیگر زوایای آن اعلام رسانه ای نمی شود و به این ترتیب، جریان به وقوع نمی پیوندد. به همین دلیل وقتی هنرمندانی از جرم رخ داده شده اعتراض می کنند، این طور وانمود می شود که کار به همین رمزگشایی محدود شده و دیگر قرار نیست پس از این، اتفاقی رقم بخورد و به همین دلیل این رویه برای مخاطبان ایرانی به یک عادت تبدیل شده است. مشخص است در چنین فضایی، اهرم های پیش راننده به خوبی کارایی خود را نشان نداده و در موضعی این کار به یک ناهنجاری تبدیل شود که یک فرد قربانی با این پیش فرض که این همه زن منتفد و مشهور، زبان به اعتراف باز کردند و اتفاقی رخ نداد، پس گفتن حقیقت از جانب من هم اتفاقی را رقم نخواهد زد و گشایشی در کار حاصل نخواهد شد. در چنین فضایی خواسته های بحق قربانی، ناخودآگاه سرکوب شده و عطای رمزگشایی و اعتراف را به لقای آن می بخشد. بنابراین در شرایط کنونی که این رویه دارد تبدیل به یک عادت روتین می شود باید سلسله مراتب پیگیری از سوی زنان قربانی با نهادها و سازمان هایی که برای پیش بردن این تظلم خواهی اقدام کرده اند برای مردم تشریح شود تا به این ترتیب، علاوه بر آن که گامی بلند در مسیر احقاق حقوق زنان در جامعه کشور برداشته می شد بلکه این دلگرمی برای قربانیان و این احساس خطر برای متعرضان به وجود بیاید که توجه ویژه ای به این قبیل امور می شود و این طور نیست که پس از جریحه دار شدن روح و روان قربانیان از بابت این حادثه، این بی توجهی نیز ساخت حیثیتی آنان را نشانه گرفته و آنها را نسبت به پیگیری و دادخواهی شان دلسرد کند. بنابراین تشریح اقدامات صورت گرفته ولو به صورت سر بسته، گام بلند و درست دیگری است که گزاره شهامت در برابر شهامت را تداعی می کند. قربانیانی که با شهامت، چنین خطراتی را گوشزد کرده اند و حال باید هم جامعه هنری کشور و هم مسئولان ذی ربط، با شهامت، در این راستا گام برداشته و نسبت به یک اعتماد سازی گسترده اقدام کنند.

## ورود سریع تر به حل مساله: نجات سینمای ایران

به فرصت طلبان خارجی این جریان داده نشود. البته که در این بین، نقش کمیته پیگیری خشونت، آزار و باج گیری جنسی زنان هنرمند، بسیار حائز اهمیت است و می تواند تا حدود بسیاری از حواشی بیشتر و دامن زدن بحث های سیاسی غیر مربوط به این اتفاق جلوگیری کند. به عنوان مثال ترانه علیندوستی به عنوان هنرمند عضو این کمیته که امیدهای بسیاری به او در احقاق حقوق زنان قربانی بسته شده، پیش از عزیمت به کن عنوان می کند که با متجاوزان روی فرش قرمز حضور نخواهد یافت و آن وقت با فردی که ادعا شده یکی از این افراد است، طی دو روز متوالی روی این فرش حضور می یابد؛ مشخص است که این اقدام چندان هوشمندانه نخواهد بود. شاید در اینجا عنوان بحث در زمینه های نامربوط سیاسی و اجتماعی منجر شود این یعنی شده است که در این صورت باید اعلام کرد چطور می شود خانم علیندوستی، از وقوع این جنایت بی خبر بوده باشد؟ طبیعتاً وقتی ایشان در کمیته پنج نفره، مسئولیت سنگینی را می پذیرد به احتمال فراوان هنرمندان بسیار به وی رجوع کرده و از تجربیات خود با وی سخن گفته اند و آیا می توان پذیرفت که در میان این تجربیات، نامی از آن بازیگری که به تعرض متهم شده، برده نشده باشد؟ آنچه نیاز امروز پیشبرد دادخواهی ۸۰۰ زن سینماگر است، دوری از حاشیه و انجام امور هوشمندانه است. ارتکاب به خطاهای راهبردی در تظلم خواهی هامی تواند به شعله ور شدن حواشی و امتداد یافتن بحث در زمینه های نامربوط سیاسی و اجتماعی منجر شود این یعنی آنکه جریان و جنبش از خطوط اصلی خود جدا نشده و به زمین کسائی که قصد بهره برداری های غیرصنعتی و غیرانسانی دارند، می غلند. این آرایش را باید نهادها و سازمان های ذی ربط که در راس آنها سازمان سینمایی و قوه قضائیه قرار دارند، در تعامل با این کمیته پنج نفره به وجود بیاورند. تعاملی که باید گزارش های اقدامات صورت گرفته در آن، ولو به صورت مبهم، رسانه ای شود تا علی رغم از بین بردن برخی حواشی سوء زمینه را برای احقاق بیشتر حقوق زنان هنرمندان سرزمین فراهم کند و این شهامت را در دل آن هنرمندانی که هنوز زبان ننگشده اند، به وجود بیاورد که سکوت آنان می تواند محفل مناسبی برای تکرار این جنایات نسبت به زنان و دختران علاقه مند به سینما و شغلان در این صنف ایجاد کند.

